

تبیین ژئوپلیتیک سازه‌های رقابت در جنوب شرق ایران

مراد کاویانی راد

دانشیار جغرافیای سیاسی، دانشکده علوم جغرافیایی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

افشین متقی^۱

دانشیار جغرافیای سیاسی، دانشکده علوم جغرافیایی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

محمد رضا عارف

دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۶/۶/۶

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۳/۱

چکیده

بندر اقیانوسی چابهار به لحاظ ژئوپلیتیکی عرصه رقابت‌هایی است که می‌توان آنرا در دو مقیاس بررسی کرد. در مقیاس اول، پاکستان با توجه به تداخل حوزه سرزمینی جنوب شرق ایران، به دنبال بهره‌برداری حداکثری از توانش‌ها و امکانات دو ایالت سند و بلوچستان است. در مقیاس دوم، پاکستان بنا بر رقابت‌ها و تنش‌های خود با هندوستان، بندرهای اقیانوسی هند از خط مرزی جنوب شرق تا جنوب که شامل ایالت‌های گجرات تا کرالا است، را به عنوان رقیب ژئواکونومیک خود می‌نگرد. به همین دلیل، پاکستان با افزایش مناسبات خود با چین، درصدد است تا علاوه بر استفاده از روابط نه چندان مطلوب پکن - دهلی نو، از کریدور جنوبی خود برای اهداف اقتصادی بیشتر استفاده کند. در مقابل، هندوستان نیز با افزایش سطح روابط خود با ایالات متحده، توانسته است از ظرفیت بندرهای اقیانوسی خود استفاده کند. نوشتار حاضر بر این فرضیه استوار است که ایران برای استفاده از توانش‌های اقتصادی جنوب شرق خود و به ویژه بندر چابهار، چه رویکردی را باید اتخاذ کند؟ بنا بر یافته‌های این پژوهش، به نظر می‌رسد که تشکیل ائتلاف منطقه‌ای با محوریت ایران، عمان، هندوستان و روسیه (IOIR) و سپس در مقیاسی بزرگتر، ائتلاف منطقه‌ای ایران، روسیه، هندوستان، پاکستان، عمان و چین (IRIPOC) می‌تواند ائتلاف ژئواکونومیک مناسبی برای استفاده بهینه ایران از توانش‌های راهبردی - اقتصادی جنوب شرق کشور باشد.

واژگان کلیدی: جنوب شرق ایران، رقابت، ائتلاف، ژئواکونومی

مقدمه

جنوب شرق ایران با داشتن ظرفیت‌های ژئوپلیتیک اقتصادی، امنیتی، دسترسی، ارتباطات منطقه‌ای و بین‌المللی، واجد کارکردهای تولیدکننده قدرت در کشور است که تاکنون مورد غفلت واقع شده و با وجود داشتن پتانسیل‌های یاد شده که دیگر مناطق ایران فاقد چنین پتانسیل‌هایی هستند، یکی از عقب‌مانده‌ترین نواحی کشور از نظر اقتصادی، اجتماعی و محیطی به شمار می‌آید (حافظ‌نیا و رومینا، ۱۳۸۴: ۵). در پیوستگی ژئوپلیتیکی جنوب شرق ایران، کشورهایی وجود دارند که علاوه بر ظرفیت همکاری و روابط دوجانبه، می‌توانند به عنوان رقبای ژئوپلیتیکی نیز قلمداد شوند. این کشورها عبارتند از؛ پاکستان، هندوستان و عمان. از میان این سه کشور، روابط ایران با پاکستان تعارضات و تنش‌های بالقوه و بالفعلی دارد که امکان ائتلاف میان تهران و اسلام‌آباد را تضعیف می‌کند. با این حال، روابط ایران با عمان و هندوستان، زمینه‌های همگرایی و ایجاد ائتلاف میان این سه کشور را افزایش داده است. از سوی دیگر، رقابت هندوستان و پاکستان و تشکیل ائتلاف منطقه‌ای پاکستان و چین نیز می‌تواند بر همکاری میان ایران و هندوستان، تاثیری مثبت بنهد. تنش‌های مرزی هندوستان و چین و هندوستان و پاکستان، امکان و زمینه‌گرایی پکن و اسلام‌آباد را وسیع‌تر کرده است. به همین منظور، بندر گوادر که رقیب ژئواکونومیک بندر چابهار به شمار می‌آید، به عنوان مکانی برای سرمایه‌گذاری چین تبدیل شده است تا پاکستان بتواند از ظرفیت بندرهای اقیانوسی هندوستان بکاهد و یا دست کم، موازنه‌ای را در بهره‌برداری از ظرفیت‌های جغرافیایی خود در بندر اقیانوسی گوادر برقرار کند.

چنین وضعیتی ایجاب می‌کند که سیاست‌گذاری‌ها در ایران باید با شتابی فزاینده به توسعه جنوب شرق کشور و ایجاد همکاری و ائتلاف منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای سوق یابد. در این باره، هندوستان با یارگیری منطقه‌ای با جنوب شرق آسیا و مناسبات فرامنطقه‌ای با ایالات متحده آمریکا، علاوه بر بهره‌برداری از بندرهای اقیانوسی خود، وزن ژئوپلیتیکی خود را در برابر پاکستان و چین، افزایش می‌دهد. در مقابل، پاکستان با یارگیری منطقه‌ای با چین کوشیده است در تقابل و رقابت ژئوپلیتیک با هندوستان، موازنه ایجاد کند. به نظر می‌رسد که به‌کارگیری دانش ژئوپلیتیک در این زمینه، می‌تواند کارگشا باشد و با ایجاد ائتلافی با محوریت ایران، عمان، هندوستان و روسیه، وزن ژئوپلیتیکی ایران در جنوب شرق، افزایش یابد. همچنین، به فعلیت رسیدن چنین ائتلافی، قدرت بازیگری ایران در سازمان شانگ‌های و به‌ویژه در برابر اتحادیه عرب و شورای همکاری خلیج فارس را تقویت می‌کند.

پژوهش حاضر از جنبه‌ی هدف و ماهیت جزء تحقیقات کاربردی است و از جنبه‌ی روشی، در زمره تحقیقات کیفی بشمار می‌رود. روش بکار رفته در این تحقیق، توصیفی - تحلیلی است و اطلاعات مورد نیاز نیز از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی گردآوری شده است.

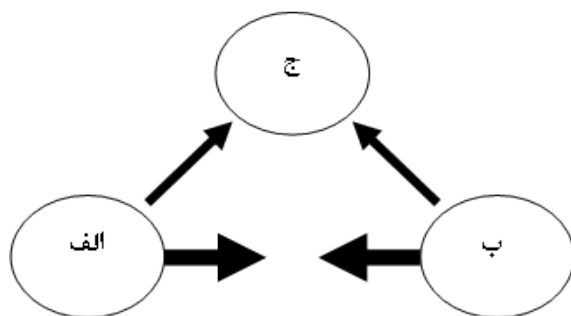
چارچوب نظری

- رقابت ژئوپلیتیک

در ژئوپلیتیک و روابط بین‌الملل، برخی از کشورها برای تصاحب و بهره‌برداری از مناطق و موقعیت‌های جغرافیایی خاص، به رقابت با یکدیگر می‌پردازند. اساس این تقابل بر این فرض استوار است که منابع جغرافیایی در جهان

(همانند نفت، گاز، موقعیت استراتژیک و غیره) به صورت نامتجانس توزیع شده است و کشورها برای به دست آوردن این منابع که وزن و قدرت آن‌ها در مقیاس جهانی افزایش می‌دهد، باید به رقابت و مسابقه با یکدیگر پردازند. بنیادهای نظری چنین برداشتی، در نظریه‌ی رئالیسم می‌تواند پیگیری شود. سه مؤلفه اصلی رئالیسم در ارتباط با رقابت عبارتند از؛ تاکید بر تهدید، تاکید بر وضع موجود و محوریت دولت (Landler, 2010: 52). در واقع‌گرایی دو رویکرد کلاسیک وجود دارد که از آنها با عنوان واقع‌گرایی کلاسیک و نو واقع‌گرایی یاد می‌شود. البته تفاوت‌های قابل توجهی این دو دیدگاه نسبت به یکدیگر دارند، اما در خصوص نگاهشان به رقابت، از مفروضات مشترکی برخوردارند و تاکید اصلی آنها بر قدرت است. واقع‌گرایی به عنوان یکی از مسلط‌ترین نظریه‌های روابط بین‌الملل، دولت را موجودیتی عینی طبیعی و غیر قابل انکار می‌داند که وجود آن ربطی به دولت‌های دیگر ندارد (Gartzke and Skrede Gleditsch, 2013: 63). در این دیدگاه هرچند دولت نقش محوری دارد، اما مفهوم دولت، قدرت، رقابت و امنیت به دلیل اینکه بدیهی انگاشته می‌شوند، همچنان مبهم باقی می‌ماند. واقع‌گرایان، جهان سیاست را عرصه منازعه و مبارزه قدرت، موقعیت و ثروت می‌دانند. قدرت برای آنها هم هدف می‌باشد و هم وسیله رسیدن به هدف. از نظر واقع‌گرایان، دولت‌ها از قدرت برای تأمین منافع خود که مهمترین آن، پیروزی در رقابت‌ها و کسب امنیت است، بهره برداری می‌کنند. موقعیت کشورها در عرصه جهانی، براساس میزان قدرت و توانمندی در پیروزی در رقابت‌ها سنجیده می‌شود (Lobell, 2015: 169).

در الگوی رقابت، ابعاد فنی موازنه قدرت بدین صورت است؛ قدرت «ب» با قدرت «الف» که برای سلطه بر «ج» در مقابل مخالفت «ب» لازم است برابر می‌شود (اگر نگوییم که از آن پیشی می‌گیرد)، در حالیکه قدرت «الف» نیز به نوبه خود اگر از قدرت «ب» برای ایجاد سلطه بر «ج» پیشی نگیرد با آن برابر می‌شود. اما کارکرد دیگر موازنه در اینجا به جز ایجاد ثباتی نامطمئن در روابط میان «الف» و «ب»، عبارت است از حفظ استقلال «ج» در مقابل تجاوزهای «الف» و «ب». استقلال «ج» صرفاً نتیجه روابط قدرت موجود میان «الف» و «ب» است (نمودار ب). اگر در این روابط چرخشی تعیین کننده به نفع دولت امپریالیست «الف» ایجاد شود استقلال «ج» بار دیگر در معرض خطر قرار می‌گیرد. اگر دولت طرفدار وضع موجود یعنی «ب» به امتیازی تعیین کننده و دائمی دست یابد، آزادی «ج» نسبت به آن امتیاز بیشتر خواهد شد. اگر در نهایت دولت امپریالیست «الف» سیاست امپریالیستی خود را کاملاً رها کند یا این سیاست را برای همیشه از «ج» به هدف دیگری یعنی «د» معطوف کند، آزادی «ج» برای همیشه حفظ می‌شود (مورگنتا، ۱۳۹۴: ۳۰۰-۲۹۷).



نمودار (۱): الگوی رقابت

(منبع: مورگنتا، ۱۳۹۴: ۲۹۸)

بنابراین، رقابت در چارچوب قدرت معنا می‌یابد و کشورها برای پیروزی در رقابت‌های مکان-مبنا، به ناگزیر باید به افزایش قدرت و وزن خود اهتمام ورزند. یکی از رهیافت‌های افزایش قدرت و پیروزی در رقابت‌ها، تشکیل ائتلاف‌های منطقه‌ای یا برقراری مناسبات خاص با کشورهای دیگر است. کشورها با ایجاد ائتلافی در محیط خارجی نزدیک خود، می‌کوشند تا با برقراری مناسبات خاص با همسایگان خود، دغدغه‌های مشترکی ایجاد کنند و برای رسیدن به این دغدغه‌ها که عموماً مبنای سرزمینی دارد (مکان-مبنا)، همسویی و همگرایی را پیگیری کنند. از سوی دیگر، شماری از کشورها با پیوستن به ائتلاف‌هایی فراتر از محیط جغرافیایی نزدیک خود، درصدد برقراری روابط با کشورهای برمی‌آیند که وزن ژئوپلیتیکی و قدرت مانور آن‌ها در عرصه‌های مختلف، چشمگیر است. این رابطه‌ی تعاملی، عمدتاً روابطی است که میان قدرت‌های درجه‌ی یک جهانی یا منطقه‌ای و نیز بین قدرت‌های درجه‌ی ۲ جهانی و یا کشورهای همسایه با وزن نسبتاً برابر ژئوپلیتیکی وجود دارد (حافظ‌نیا، ۱۳۹۰: ۳۶۳). کشورهایی که با فضای دور سرزمینی خود به ائتلاف می‌رسند، عموماً یک رقابت پویا و دائمی با همسایگان خود را تجربه می‌کنند و برای کاستن از آسیب‌های احتمالی چنین رقابتی و نیز افزایش ژرفای ژئوپلیتیکی خود، دست به ایجاد مناسبات دوستانه با پاره‌ای از کشورها می‌زنند. نمونه‌ی بارز چنین شیوه‌ای از مناسبات، روابط کشور هند با آمریکا و اسرائیل است. تنش‌های مرزی میان هند و پاکستان بر سر کشمیر همچنان حل نشده باقی مانده و سطح مناسبات دو کشور در برخی زمان‌ها تا آستانه‌ی یک رویارویی مستقیم نیز کشانده است. علاوه بر این، هند با همسایه‌ی شمالی خود، یعنی چین نیز مناقشات مرزی فراوان دارد و عدم توافق بر سر این مناقشات، روابط دو کشور را در همه‌ی زمینه‌ها متأثر ساخته است. به همین دلیل، هندوستان برای کاستن از آسیب‌های احتمالی در رقابت ژئوپلیتیک خود با پاکستان و چین به ایجاد مناسبات دوستانه با ایالات متحده روی آورده است. در حوزه‌ی سرزمینی جنوب شرق ایران، رقابت‌ها عموماً جنبه‌ی اقتصادی دارد. این حوزه که پیوستگی ژئوپلیتیکی با کشورهای چین، پاکستان، هندوستان و عمان دارد، عرصه‌ی مناسبی برای پدید آمدن رقابت بر اساس اقتصاد یا همان ژئواکونومی است.

- ژئواکونومی

ژئواکونومی آن‌گونه که در فرهنگ لغت تعریف شده عبارت است از "ترکیبی از عوامل اقتصادی و سیاسی که بر تجارت بین‌المللی تاثیر گذارند" (Merriam-Webster, 2014). از منظر سانجای بارو^۱، ژئواکونومی به معنای رابطه میان سیاست اقتصادی و تغییر در قدرت ملی و ژئوپولیتیک است. او معتقد است که به ژئواکونومی از دو منظر می‌توان نگرست. یکی به معنای پیامدهای ژئوپولیتیک یک پدیده اقتصادی و دیگری پیامدهای اقتصادی ناشی از روندهای ژئوپولیتیک. او اصطلاحات پرچم به دنبال تجارت و تجارت به دنبال پرچم را نماد این دو برداشت از مفهوم ژئواکونومی می‌داند (Baru, 2010: 14). اما به‌طور تاریخی ریشه مباحث نظری ژئواکونومیک به مرکانتیلیست‌های اروپایی باز می‌گردد. آنان به رقابت اقتصادی با حاصل جمع صفر به‌عنوان یکی از منابع اصلی قدرت می‌نگریستند. اما در دهه‌های اخیر سه تن از اندیشمندان بیش از دیگران به این مفهوم توجه نشان داده‌اند. پل کندی^۲ به‌عنوان مورخی برجسته و صاحب اثر مشهور ظهور و سقوط قدرت‌های بزرگ که در اواخر جنگ سرد

¹ Sanjaya Baru

² Paul Michael Kennedy

انتشار یافت، استدلال کرد که تغییر در موازنه قدرت سیاسی - نظامی ماحصل تغییر در موازنه ژئواکونومیک است. به بیان دیگر از منظر وی تغییر در توان اقتصادی کشورها پیش شرط تغییر در توان سیاسی - نظامی آنان است (Baru, 2010: 17). با پایان جنگ سرد و سرعت یافتن فرایند جهانی شدن، مفهوم ژئواکونومی در ادبیات روابط بین‌الملل بیش از پیش رواج یافت (Zerate, 2012: 8). پایان جنگ سرد را اغلب اندیشمندان روابط بین‌الملل نوعی شوک نظری برای این حوزه می‌دانند. در دوران پس از جنگ سرد در واقع مناظره‌ای میان اندیشمندان این حوزه بر سر تغییر یا تداوم در مولفه‌های قدرت در گرفت. برخی بر آن شدند که ماهیت قدرت تغییر کرده و جنگ اهمیت خود را در تبیین تحولات این حوزه از دست داده است. در مقابل کسانی بودند که بر تداوم ماهیت جنگ محور این حوزه تاکید داشتند. مفهوم ژئواکونومی در واقع یکی از ابزارهای تحلیلی برخی از اندیشمندان است که قائل به تغییر ماهیت سیاست بین‌الملل می‌باشند (Solberg, 2012: 22). ساموئل هانتینگتون^۱ از دیگر کسانی بود که به تحول مفهوم قدرت در دنیای پس از جنگ سرد توجه نشان داد. از منظر وی جمله مشهور کلاوزویتس^۲ که جنگ ادامه سیاست به زبان دیگر است در دوران جدید به اقتصاد تداوم جنگ به زبان دیگر است، تغییر یافته است. از منظر وی در دوره جدید که امکان جنگ میان قدرت‌های بزرگ بسیار کم‌رنگ شده، برتری اقتصادی نقش اصلی را در چینش کشورها در رده‌بندی قدرت جهانی ایفا می‌کند. به بیان دیگر ابزارهایی که کشورها با توسل به آنها می‌توانند موقعیت خود را ارتقا بخشند، از جنگ افزارهای سنتی همچون تانک، موشک، جنگنده و ... به برتری در تولید، نفوذ در بازار، کنترل بازار، ارز قدرتمند، مالکیت بر شرکت‌ها و کسب فناوری‌های نوین تغییر کرده است. از همین روست که او چالش اصلی ایالات متحده در این دوره را تداوم برتری آمریکا در رقابت اقتصادی با سایر قدرت‌ها و نه رقابت سیاسی - استراتژیک می‌داند (دوئرتی، ۱۳۹۳: ۶۷).

در این دوران ادوارد لوتواک^۳ بیش از هر فرد دیگری در اشاعه این مفهوم در ادبیات روابط بین‌الملل نقش داشته است. از منظر وی ژئواکونومی به بیانی ساده به معنای تداوم رقابت‌های قدیمی میان کشورها با توسل به ابزارهای نوین صنعتی است. از این منظر حوزه رقابت کشورها در واقع تغییر کرده و از سیاست و بعد نظامی به اقتصاد گذر کرده است. به بیانی ساده تسلط صنعتی و اقتصادی جایگزین تسلط نظامی و توسل به جنگ شده است. معیار قدرت در این دوران دیگر نه گستردگی نیروی نظامی در پهنه جهانی و نفوذ در سرزمین‌ها، بلکه میزان سهم از بازار جهانی است. از این منظر در دوران جدید، هم علل و هم ابزارهای رقابت کشورها اقتصادی‌اند. در واقع، مفهوم ژئواکونومی بدان معنا است که ماهیت قدرت در دوران جدید تغییر کرده است و باید به قدرت از زاویه اقتصادی نگریست. از منظر وی در دنیای پساجنگ سرد، روش‌های اقتصادی - تجاری جایگزین روش‌های سیاسی - نظامی برای بسط قدرت ملی شده‌اند. به بیان دیگر سرمایه قابل عرضه جایگزین قدرت آتش، نوآوری‌های غیرنظامی جایگزین نوآوری‌های نظامی و نفوذ در بازارها جایگزین پایگاه‌های نظامی شده است (عزتی و ویسی، ۱۳۸۵: ۲۹). مفهوم ژئواکونومی، برای تبیین ماهیت قدرت برخی دولت‌ها از قابلیت ویژه‌ای برخوردار است. به‌طور تاریخی در دوران پس از جنگ جهانی دوم آلمان و ژاپن به‌عنوان دولت‌های تجاری و بعدها به‌عنوان قدرت‌های ژئواکونومیک مفهوم‌بندی شده‌اند، دولت‌هایی که

¹ Samuel Phillips Huntington

² Carl von Clausewitz

³ - Edward Luttwak

مهم‌ترین جنبه قدرت آنان در حوزه تجارت و کسب بازارهای جدید است. بر این پایه، قدرت ژئواکونومیک، قدرتی است که رفتار آن در صحنه بین‌الملل دو ویژگی اساسی دارد:

۱- در وهله نخست به فتح بازارها و نه فتح سرزمین‌ها یا سلطه سیاسی بر کشورها می‌اندیشد. به بیان دیگر چنین قدرتی، اولویت نخست خود را ارتقای موقعیت در اقتصاد جهانی تعریف می‌کند و برای نیل به چنین هدفی توسعه بسط مناسبات با تعداد هرچه بیشتری از کشورها و دوری از تنش‌های استراتژیک ضرورت و اهمیت می‌یابد.

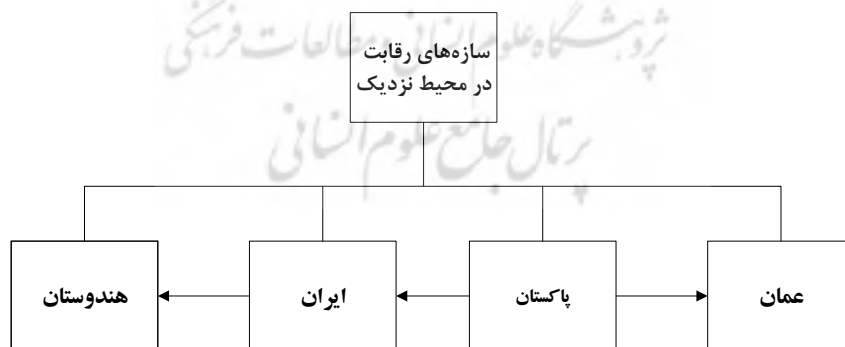
۲- تولید و حفظ ثبات در محیط امنیتی از دیگر اولویت‌های قدرت‌های ژئواکونومیک بوده است. بدیهی است که بسط مناسبات اقتصادی و تجاری نیازمند ثبات و امنیت است. از این رو، چنین کشورهایی همواره در جبهه طرفداران ثبات و امنیت در صحنه بین‌الملل قرار می‌گیرند؛ زیرا ناامنی و بی‌ثباتی برای رشد و توسعه اقتصادی و تجاری آنان سمی مهلک است.

با توجه به آنچه درباره‌ی رقابت قدرت‌ها بر اساس ژئواکونومی گفته شد، در ادامه به بررسی رقابت‌های موجود در جنوب شرق ایران پرداخته می‌شود و پس از آن، به ارائه‌ی پیشنهادهایی برای ایجاد ائتلاف در این حوزه‌ی سرزمینی کشور، مبادرت می‌شود.

یافته‌ها و بحث

- رقابت در محیط نزدیک

حوزه‌ی سرزمینی جنوب شرق ایران، قلمرو استراتژیکی است که عمده‌ی پتانسیل‌های آن در مراودات بازرگانی و تجارت دریایی نمود می‌یابد. به همین سبب، این بخش از کشور توانمندی اقتصادی مکان-مبنا دارد که باید آنرا در چارچوب ژئواکونومی بررسی کرد. کشورهایی که با توجه به ظرفیت سرزمینی جنوب شرق ایران، می‌توانند به عنوان رقیبان ژئواکونومیک در نظر گرفته شوند، عبارتند از؛ پاکستان، هندوستان و عمان (شکل ۱).



شکل ۱- سازه‌های رقابت در حوزه‌ی سرزمینی جنوب شرق ایران

(ترسیم؛ نگارندگان)

پاکستان به‌عنوان مهم‌ترین رقیب بلافاصله ایران در حوزه سرزمینی جنوب شرق، می‌تواند با بهره‌گیری از ظرفیت‌های ایالت بلوچستان از قدرت مانور ژئواکونومیکی ایران در این حوزه بکاهد. وسعت کرانه‌ای بیشتر ایالت بلوچستان پاکستان باعث شده است تا دریای سرزمینی پاکستان در مقایسه با ایران در حوزه‌ی جنوب شرق، بیشتر باشد. وسعت مکانی-فضایی بیشتر در دریای سرزمینی، این امکان را برای پاکستان مهیا می‌کند که زمینه تجارت دریایی و نقل و

انتقالات، از جاذبه‌ی فضایی بیشتری برخوردار باشد. با این حال، ساختار قبیله‌ای و عدم تثبیت امنیت و دولت در این کشور، عملاً جاذبه‌ی چندانی برای کشورهای دیگر به منظور سرمایه‌گذاری و برقراری مناسبات در حوزه اقتصاد، ترانزیت و انرژی پدید نیاورده است (فرزین‌نیا، ۱۳۸۳: ۶۹-۷۰). ساختار قبیله‌ای و اغتشاش فضا به‌ویژه در ایالت بلوچستان پاکستان که حوزه سرزمینی رقیب با جنوب شرق ایران محسوب می‌شود، بیشتر از دیگر مناطق این کشور است. از این رو، ایالت بلوچستان پاکستان با آنکه پُر ظرفیت‌ترین رقیب بلافصل جنوب شرق ایران به شمار می‌آید، به دلیل مدیریت ناکارآمد در مقیاس ملی، تا اندازه‌ی زیادی از قدرت مانور آن کاسته شده است.

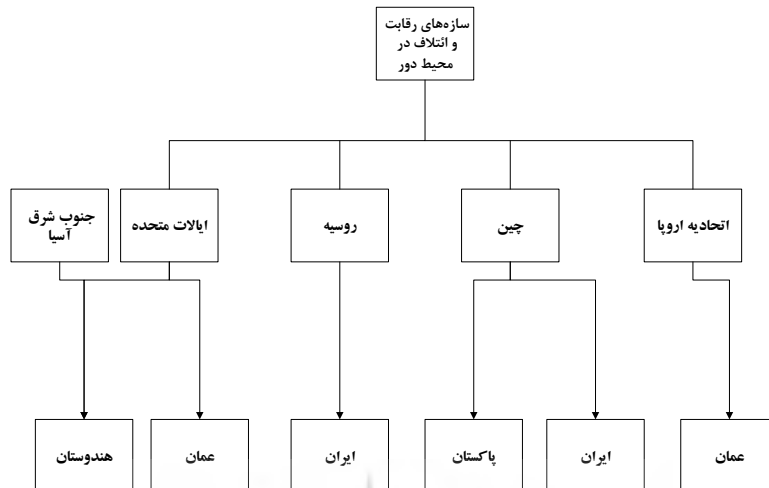
دالان جنوب شرق تا جنوب غرب هندوستان که بخشی از دریای سرزمینی این کشور به شمار می‌آید، شامل بنادر مهمی است که همگی آن‌ها در مجاورت اقیانوس هند قرار دارند. در مقایسه با بندر چابهار که تنها بندر اقیانوسی ایران محسوب می‌شود، کشور هندوستان با داشتن بیش از ۵ بندر مهم و استراتژیک اقیانوسی، پیش‌تاز به حساب می‌آید. بر خلاف پاکستان، کشور هندوستان با مدیریت فضایی مناسب و برقراری روابط تجاری و سیاسی با ثبات با کشورهای مختلف جهان، در طی یک دهه‌ی اخیر خود را به عنوان یک بازار جذاب برای سرمایه‌گذاری خارجی تبدیل کرده است. گذشته از موقعیت جغرافیایی بنادر این کشور و مدیریت سیاسی و فضایی بهینه، جمعیت فراوان این کشور که به طور طبیعی مصرف‌کنندگان بزرگی محسوب می‌شوند، از دیگر عواملی است که استقبال کشورهای همچون آمریکا، اسرائیل و اتحادیه اروپا به سرمایه‌گذاری و برقراری مناسب با ثبات در این کشور را افزایش داده است. از این رو، پاکستان با ضعف در ایجاد ثبات و امنیت در فضای سرزمینی خود، ظرفیت‌های حوزه دریای سرزمینی خود در جنوب را از دست داده است و در مقابل، هندوستان با مجموعه‌ای از شاخص‌های جغرافیایی و مدیریت سیاسی کارآمد، توانسته است به محیط جذاب برای مناسبات ژئواکونومیک در سطح منطقه و چه بسا جهان تبدیل شود. افزایش سطح ژئواکونومیک هندوستان برای ایران نیز عاملی منفی محسوب می‌شود. مدیریت اقتصادی و سیاسی نه‌چندان کارآمد در جنوب شرق کشور تاکنون، به افزایش بهره‌وری و بهره‌مندی در آن‌سوی ژئوپلیتیکی هندوستان کمک کرده است. بنابراین، ایران نیز همانند پاکستان با عدم توجه به سرمایه‌گذاری در بخش‌های بنادر اقیانوسی خود، در رقابت با هندوستان از مسیر پیشرفت و بهره‌مندی در این حوزه سرزمینی بازمانده است.

هرچه کشورهای ایران و پاکستان در مقایسه با هندوستان از ظرفیت‌های ژئواکونومیک خود در جنوب شرق و جنوب خود، بازمانده‌اند، اما کشور پادشاهی عمان با برقراری مناسبات خود با ایالات متحده و اتحادیه اروپا از ظرفیت‌های جغرافیایی خود در حوزه اقیانوس هند بهره‌مند شده است. سیاست خارجی محافظه‌کارانه‌ی عمان، سبب شده است تا این کشور به عنوان پایگاهی برای مناسبات اقتصادی با ایالات متحده و سپس اتحادیه اروپا باشد. چهار بندر اقیانوسی واقع در مناطق مسقط، شرقیه، وسطی و ظفار، عرصه مناسبی برای ترانزیت کالا از اروپا و آمریکا به شمار می‌آید. با این حال، جذابیت عمان در مقایسه با هند از نظر ظرفیت‌های ژئواکونومیک کمتر است و موقعیت جغرافیایی و جمعیت فراوان هند، کفه ترازو را به سود دهلی نو سنگین کرده است.

- ائتلاف‌ها در محیط دور و نزدیک

وجود برخی از تعارضات و کشمکش‌های سرزمینی و ایدئولوژیک میان کشورهای پاکستان-هندوستان و ایران-پاکستان، همکاری منطقه‌ای با محوریت جنوب شرق ایران را برآشفته است. چنین تعارضاتی در میان دو قطب

مجاور هندوستان و پاکستان چمشگیرتر است و به همین دلیل، این دو کشور به یارگیری منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای برای افزایش توان و وزن ژئوپلیتیکی خود اقدام کرده‌اند. در شکل ۲، شاکله‌ی کلی رقابت و یارگیری منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای با محوریت جنوب شرق ایران نشان داده شده است.



شکل ۲- سازه‌های رقابت در محیط نزدیک و ائتلاف در محیط دور با محوریت جنوب شرق ایران (ترسیم از نگارندگان)

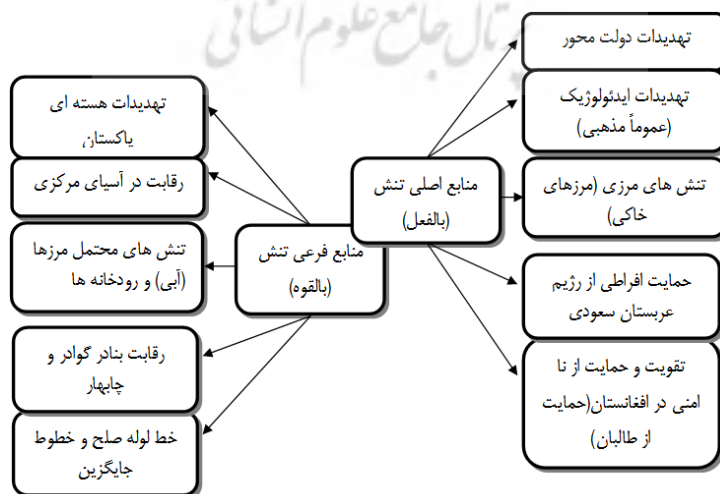
۱) هندوستان-پاکستان

بحران کشمیر یکی از مهم‌ترین عوامل تنش و کشمکش منطقه‌ای در جنوب آسیاست. اختلاف دو کشور هند و پاکستان بر سر کشمیر باعث شکل‌گیری ترتیبات منطقه‌ای و بین‌المللی در جنوب آسیا شده است. این ترتیبات عمدتاً هند-محور یا پاکستان-محور هستند، چرا که مسائل جنوب آسیا اعم از نظامی، اقتصادی، سیاسی و امنیتی اصولاً متأثر از روابط هند و پاکستان است. همین امر باعث شده تا فضایی دو قطبی در جنوب آسیا شکل گرفته که در یک سر آن محور هند-آمریکا و در سر دیگر آن محور چین-پاکستان قرار گیرد (محمدی و احمدی، ۱۳۹۴: ۱۹). این فضای امنیتی در حالی شکل گرفته که پاکستان در یارگیری منطقه‌ای موفق‌تر از هند عمل کرده و در مقابل، هند در سطح فرامنطقه‌ای ابتکار عمل بیشتری از خود نشان داده است. یکی از مشکلات اساسی سیاست خارجی هند، نداشتن متحدان واقعی در منطقه است. هند در جنوب آسیا که محیط پیرامونی این کشور را تشکیل می‌دهد و مهمترین چالش‌های امنیتی این کشور نیز در همین منطقه قرار دارد، فاقد متحدان واقعی است؛ از این رو، این کشور به دنبال متحدانی خارج از منطقه-خصوصاً در مناطق همجوار- است تا بتواند از محیط تنگ جنوب آسیا بیرون آمده و اقدامات چین جهت «محاصره» دهلی نو را خنثی کند. یکی از مناطقی که در راستای این استراتژی مورد توجه ویژه هند قرار گرفته، منطقه‌ی جنوب شرق آسیا است. این منطقه به دلیل همجواری با چین-مهم‌ترین رقیب استراتژیک هند در منطقه و آسیا و نیز به دلیل رشد بالای اقتصادی، مورد توجه ویژه هند قرار گرفته است. استراتژی کلان هند، جهان را به سه دایره متحدالمرکز تقسیم می‌کند. اولین دایره، همسایگان نزدیک هند را در بر می‌گیرد. در محیط این دایره، هند در صدد کسب موقعیت هژمونی است تا به واسطه آن بتواند با حضور قدرت‌های دیگر در این منطقه مقابله کند. دایره دوم، منطقه وسیع‌تری از همسایگان هند را در بر می‌گیرد که محیط آن را آسیا و کشورهای حاشیه اقیانوس هند تشکیل می‌دهند. در این محیط، هند در پی ایجاد موازنه در مقابل سایر قدرت‌ها و ممانعت از

تضییع منافع خویش توسط آنها می‌باشد. در دایره سوم که در واقع کل جهان را در بر می‌گیرد، تلاش هند در جهت کسب جایگاه قدرت بزرگ و ایفای نقش کلیدی در صلح و امنیت بین‌المللی با همکاری آمریکا است (خلیلی و همکاران، ۱۳۹۲: ۹۵). از این رو، رقابت و تعارض ژئوپلیتیکی هندوستان و پاکستان، امکان هرگونه ائتلاف این دو کشور بر سر حوزه‌های دریای سرزمینی و بندرهای اقیانوسی خود که با جنوب شرق ایران پیوستگی ژئوپلیتیکی دارد، منتفی می‌سازد. برای پیدایش ائتلافی بر این مبنای، به وجود چند کشور دیگر نیاز است.

۲) ایران - پاکستان

مجموعه‌ای به هم پیوسته‌ای از تعارضات ایدئولوژیک و سرزمینی، همگرایی ایران و پاکستان را تهدید می‌کند (شکل ۳). در حال حاضر یکی از جنبه‌های رقابتی مهم دو کشور ایران و پاکستان در منطقه‌ی آسیای جنوب غرب، حول دو بندر استراتژیک چابهار و گوادر است (سلیمی، ۱۳۸۸: ۱۱۶). دلایل مهم این رقابت نه تنها از نظر اقتصادی حائز اهمیت است، بلکه در طرح توسعه این بنادر مجموعه‌ای از عوامل سیاسی، نیز نهفته است که می‌توانند باعث بروز پاره‌ای از رقابت‌ها و تنش‌ها باشند. به عنوان مثال حضور دو قدرت اثر گذار چین و هند در ساخت و توسعه این بنادر می‌تواند جنبه عینی به اهداف رقابتی این قدرت‌ها ببخشد. کشورهای چین و هند در رقابتی شدید قصد در دست گرفتن بازارهای افغانستان، آسیای مرکزی و روسیه و ایجاد روابط نزدیکتر با این کشورها را دارند (محمدی و احمدی، ۱۳۹۴: ۲۳۴). مسائل متعدد اقتصادی، امنیتی، مسیرهای امن ترانزیتی و ... چین را ترغیب کرده است تا به توسعه بندر گوادر بپردازد. در بعد امنیتی؛ از آنجایی که بخش شرقی چین به مراتب توسعه یافته تر از بخش غربی آن است. لذا استان غربی و مسلمان نشین سین کیانگ از جمله مناطق توسعه نیافته این بخش است که نوک پیکان واگرایی این منطقه همواره به سمت چین نشانه رفته است. بنابراین توسعه مناطق همجوار (بندر گوادر) استان سین کیانگ، این واگرایی را به حداقل می‌رساند. از لحاظ بعد مسافت؛ چون مسیر اصلی تجارت دریایی چین از تنگه مالاکا و اقیانوس هند می‌باشد، تجارت از طریق گوادر هم از نظر مسافت به صرفه‌تر است، به این دلیل که گوادر به تنگه هرمز و خلیج فارس نزدیک است. هم از لحاظ اقتصادی و هم از لحاظ امنیتی؛ چرا که مالاکا به دلیل مسافت زیاد و نا امنی ناشی از هجوم دزدان دریایی مسیر نامطمئنی است.



شکل ۳- مهم ترین منابع (اصلی و فرعی) تنش و تهدید در روابط ایران و پاکستان

(منبع؛ محمدی و احمدی، ۱۳۹۴)

۳) ایران - هندوستان

هندوستان به دلایل متعدد، قصد توسعه بندر چابهار را دارد؛ اول اینکه بندر چابهار با قرار گرفتن در مسیرهای منتهی به سراسر آسیای جنوبی و جنوب غربی و جنوب شرقی اروپا دارای موقعیت ممتازی است، که روزانه مبادله میلیون-ها بشکه نفت و حجم کلانی از کالا و سرمایه از این مسیر دریایی عبور می‌کند (محرابی و اقتدارنژاد، ۱۳۹۳: ۲۰۶). علاوه بر این، هند برای ورود به افغانستان و آسیای مرکزی به مسیر امن و مطمئن نیازمند است، کما اینکه با انتخاب این مسیر بی‌نیاز از پاکستان می‌شود (خلیلی و همکاران، ۱۳۹۲: ۹۹). در پی سفر وزیر امور خارجه‌ی ایران (اوت ۲۰۱۵) به هند، اولویت‌های ایران برای مشارکت با هندی‌ها حوزه حمل و نقل (به ویژه کریدور شمال-جنوب) و همچنین سرمایه‌گذاری در راه آهن (قزوین - رشت - آستارا) و توسعه بندر چابهار مطرح شده است. از دیدگاه پاکستان، در صورت توفیق در پروژه بندر گوادر به دلیل منافع اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و امنیتی این بندر در بلندمدت با حل مشکلات درونی و بیرونی پیچیده‌ی خود و دور کردن چابهار از رقابت، حتی قابلیت‌های ترانزیتی بندر عباس را در معرض تهدید قرار خواهد داد (پورپویان و همکاران، ۱۳۸۹: ۶۳). از این روی، همگرایی ایران و هندوستان زمینه‌های مساعدتری نسبت به پاکستان دارد و این دو کشور می‌توانند همکاری منطقه‌ای خود را بر مبنای بندرهای اقیانوسی خود استحکام بخشند.

۴) ایران - عمان

کشور عمان به دلیل مولفه‌های زیر، نقش مهمی در سیاست خارجی و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران دارد (رائی، ۱۳۹۴: ۷):

- قرار گرفتن در گذرگاه استراتژیک هرمز
- متأثر بودن از منابع انرژی حوزه غنی خلیج فارس
- قرار گرفتن در مسیر آبراه‌های حمل و نقل انرژی و کالاهای تبدیلی آسیا-اروپا و ایفای نقش ارتباطی بین این مناطق
- مورد توجه اهداف استراتژی قدرت‌های بزرگ از جمله ایالات متحده‌ی آمریکا
- داشتن اهمیت استراتژیک به دلیل قرار گرفتن در کرانه غربی اقیانوس هند
- اتخاذ سیاست خارجی پویا و مسالمت آمیز پیرامون کشورهای همسایه به‌ویژه ایران
- روابط حسنه با جمهوری اسلامی ایران
- اتخاذ سیاست خارجی میانجی‌گرانه بین ایران و کشورهای خارجی در پرونده‌های مهم منطقه‌ای
- مورد وثوق بودن فعالیت‌های این کشور از طرف ایران و کشورهای غربی در زمینه‌ی فعالیت‌های میانجی‌گرانه و دوستانه این کشور.

مجموعه‌ی این زمینه‌های همگرا، عمان را به مثابه‌ی دروازه‌ی ورود ایران به آفریقا تبدیل می‌کند. از سوی دیگر، روابط ژئواکونومیک عمان با کشورهای گازخیز آسیای مرکزی نیز از طریق دروازه‌ی ایران ممکن می‌شود. در اوت سال ۲۰۱۴، وزرای خارجه ایران، عمان، ترکمنستان و تاجیکستان با هدف امضای یادداشت تفاهم برای ایجاد

«کریدور حمل و نقل بین‌المللی» در مسقط با یکدیگر ملاقات کردند. این یادداشت تفاهم در چارچوب «توافق عشق آباد بود که چند سال پیشتر برای ایجاد کریدور میان این چهار کشور به امضاء رسید» (شفیعی، ۱۳۸۸: ۵۰). وزاری خارجه این کشورها همچنین اصول و مبانی مسئله گشودن بندرهای صحار، دقوم و صلاله به روی کشورهای آسیانه میانه را بررسی کردند. علاوه بر این، بندرهای اقیانوسی مهم عمان که با بندر چابهار در ایران، پیوستگی اقیانوسی دارند. این بندرها که در مناطق (ایالت) مسقط (پایتخت سیاسی و اداری)، شرقیه، وسطی و ظفار قرار دارند، زمینه مناسبی برای همکاری و همگرایی و ایجاد یک ائتلاف منطقه‌ای فراهم آورده است. زمینه‌ی تاریخی مناسب میان ایران و عمان و مناسبات عمیق دوستانه‌ی ژئوپلیتیکی این دو کشور، عمان را به‌عنوان مهمترین و موثق‌ترین شریک استراتژیک ایران در منطقه‌ی خلیج فارس تبدیل کرده است.



نقشه ۱- فضاهای رقابت و یاریگری منطقه‌ای با تاکید بر ژئواکونومی چابهار (ترسیم از نگارندگان)

– ائتلاف ژئواکونومیک ایران، عمان، هندوستان و روسیه^۱ (IOIR)

همچنانکه پیش‌تر نیز گفته شد، ائتلاف منطقه‌ای در جنوب شرق ایران به صورت بالقوه می‌تواند میان کشورهایمانند ایران، پاکستان، هندوستان و عمان رخ دهد. با این حال، مسائلی چند به فعلیت رسیدن چنین ائتلافی را مختل می‌کند. نخستین مسئله، تنش سرزمینی میان هندوستان و پاکستان است که با وجود کوشش‌های دیپلماتیک برای حل مناقشات مرزی این دو کشور، کماکان دهلی نو و اسلام آباد یکدیگر را به عنوان رقیبانی سرسخت می‌نگرند. از این رو، هر دو کشور برای تقویت خود علیه دیگری به یاریگری منطقه‌ای و فرماندهی اقدام کرده‌اند. پاکستان با ایجاد روابط دوستانه با چین، در تلاش برای بهره‌برداری از ظرفیت‌های بندری خود در جنوب است و از سوی دیگر، به

^۱ - Iran, Oman, India, Russia (IOIR)

دلیل تعارضات مرزی میان چین و هندوستان، یکی از رقیبان هند را به نفع معادلات خود، جذب کرده است. روابط پاکستان و ایران نیز به دلایل متعدد ایدئولوژیک و ژئوپلیتیک در هاله‌ای از تنش‌ها و تعارضات احتمالی و در برخی مواقع، تنش‌های واقعی قرار می‌گیرد. از این رو، مناسبات خاص پاکستان با عربستان سعودی و عدم ثبات مدیریت سیاسی فضا در این کشور، امکان ایجاد ائتلاف و همکاری منطقه‌ای میان ایران و پاکستان را در حوزه بندرهای اقیانوسی ضعیف گردانیده است. از سوی دیگر، به نظر می‌رسد که پاکستان با ترغیب چین برای سرمایه‌گذاری در بندر گوادر، تنها به افزایش وزن ژئوپلیتیک خود در برابر هندوستان می‌اندیشد و از این رو، نزدیکی ایران به پاکستان، می‌تواند در مناسبات ایران و هندوستان، خلل ایجاد کند. آنچه در عمل برای ایجاد یک همکاری و سازمان منطقه‌ای مهیا به نظر می‌رسد، ائتلافی است که می‌تواند میان ایران، عمان و هندوستان شکل گیرد. مناسبات تاریخی پیوسته و با ثبات ایران و عمان و نیز مزیت‌ها و ظرفیت‌های اقتصادی و ترانزیتی فضای داخلی دو کشور، مسقط و تهران را به سوی حفظ و تقویت همکاری‌های مداوم سوق داده است. هندوستان نیز در رقابت با پاکستان و چین به یارگیری منطقه‌ای با جنوب شرق آسیا و همکاری فرامنطقه‌ای با ایالات متحده آمریکا دست زده است. از این رو، ایران نیز می‌تواند به عنوان یکی از شرکای منطقه‌ای هند به شمار آید. نزدیکی ایران به هندوستان، با توجه به تعارضات ایدئولوژیک و ژئوپلیتیک میان تهران و اسلام آباد، توجیه‌شدنی است.

وارد کردن کشور روسیه به ائتلاف ژئواکونومیک ایران، عمان و هندوستان به دلیل وزن ژئوپلیتیک بالای این کشور و واقعی‌تر شدن این ائتلاف در رقابت با محور چین-پاکستان است. از سوی دیگر، نیاز فزاینده روسیه به محور ترانزیتی جنوب شرق ایران، می‌تواند سرمایه‌گذاری در این بخش را واقعی‌تر کند. با توجه به کدهای ژئوپلیتیک کنونی جمهوری اسلامی ایران، روی آوردن به ائتلاف‌های منطقه‌ای که در آن روسیه و چین بتوانند توازن ژئوپلیتیک را برقرار کنند، اجتناب‌ناپذیر است. از این رو، به نظر می‌رسد پکن به سرمایه‌گذاری در پاکستان رغبت بیشتری نسبت به ایران نشان می‌دهد. این رغبت می‌تواند به دلیل رقابت همزمان چین و پاکستان با هندوستان، توجیه شود. با این حال، روسیه که به نظر می‌رسد به شریک بزرگ تجاری و نظامی ایران تبدیل می‌شود، وزنه ژئوپلیتیک مناسبی است که می‌تواند ائتلاف ژئوپلیتیک در جنوب شرق ایران را جامه عمل بپوشاند. از سوی دیگر، روابط نظامی روسیه با پاکستان و مناسبات نظامی هندوستان با ایالات متحده آمریکا، مسکو و دهلی نو را به سوی ایجاد نوعی توازن برای همگرایی سوق داده است. ائتلاف ژئواکونومیک ایران، عمان، هندوستان و روسیه، می‌تواند نقطه اتکای مناسبی برای چین توازنی به حساب آید.

با این حال، ائتلاف ژئواکونومیک جنوب شرق ایران با عدم همکاری پاکستان و پس از آن، چین، کامل نخواهد شد. به عبارت دیگر، برای ارتقای این سازمان ژئواکونومیک به یک سازه منطقه‌ای تاثیرگذار، باید کوشش‌ها برای پیوستن کشورهای پاکستان و چین و چه بسا افغانستان نیز صورت گیرد. توسعه‌ی ظرفیت‌های جنوب شرق ایران، علاوه بر رفع نسبی «تنگنای تنگه هرمز» (حافظ‌نیا و رومینا، ۱۳۸۴: ۱۰)، می‌تواند با تشکیلات سازمان منطقه‌ای، جایگزین مناسبی برای ایران در سازمان شانگ‌های باشد. از سوی دیگر، با تقویت سازمانی، اداری و افزایش ضریب نفوذ ائتلاف ژئواکونومیک با محوریت جنوب شرق ایران، ایران می‌تواند وزن ژئوپلیتیک خود را در برابر کشورهای عرب

خلیج فارس افزایش دهد. به نظر می‌رسد که نخستین کوشش‌ها برای عملی شدن ائتلاف ژئواکونومیک در جنوب شرق ایران، ابتدا با محوریت «ایران، عمان، هندوستان و روسیه» به فعلیت می‌رسد.

نتیجه‌گیری

یکی از نمودهای رقابت در عرصه‌ی ژئوپلیتیک، کشمکش کشورها برای استفاده حداکثری از ظرفیت‌های جغرافیایی خود است. جنوب شرق ایران که تنها بندر اقیانوسی ایران، چابهار را در خود جای داده است، یکی از ظرفیت‌های جغرافیایی ویژه ایران است که باید از آن در راستای افزایش وزن ژئوپلیتیک و نیز بهبود تعادل ژئوپلیتیک در منطقه استفاده شود. سیاست‌گذاری در زمینه افزایش سرمایه‌گذاری و بهبود شاخص‌های توسعه در این منطقه به همراه جذب سرمایه‌گذاری خارجی، از جمله راهکارهایی است که می‌تواند به بهره‌برداری بهینه از ظرفیت و موقعیت ویژه جنوب شرق ایران، بیانجامد. در راستای سیاست‌های خارجی یا کدهای ژئوپلیتیک کشور برای بهبود بهره‌وری در جنوب شرق، ایجاد و پیگیری ائتلاف‌های منطقه‌ای ضروری است. با توجه به ظرفیت اقتصادی، انرژی و ترانزیتی جنوب شرق ایران، به نظر می‌رسد که پیگیری ائتلافی بر محوریت ژئواکونومی می‌تواند زمینه‌های مناسبی برای افزایش توسعه و بهبود فضایی اقتصاد این منطقه باشد. در این راستا، کشورهای همچون پاکستان و عمان به عنوان همسایگان نزدیک ایران و نیز هندوستان به عنوان پیوست ژئوپلیتیک بندرهای اقیانوس هند، گزینه‌های مناسبی برای جلب همکاری به شمار می‌روند. با این حال، بررسی مناسبات سیاسی سه کشور یاد شده با ایران و با یکدیگر، نشان داد که در حال حاضر، همگرایی میان ایران-پاکستان و پاکستان-هندوستان، ضعیف به نظر می‌رسد. از این رو، ائتلاف منطقی و فعلی میان ایران، عمان و هندوستان، از فعلیت و واقعیت بیشتری برخوردار است. همچنین برای افزایش وزن ژئوپلیتیک و قدرت بازیگری چنین ائتلافی، جلب همکاری روسیه و چین نیز ضروری است. با توجه به مناقشات چین و هندوستان و رغبت بیشتر این کشور برای سرمایه‌گذاری در بندر گوادر، به نظر می‌رسد که پیوستن روسیه به ائتلاف بندرهای اقیانوسی ایران، عمان و هندوستان، گزینه‌ی محتمل‌تری است. این ائتلاف که با نام کوتاه شده‌ی IOIR از آن نام برده شد، می‌تواند ظرفیت‌های اقتصادی، انرژی و ترانزیتی جنوب شرق ایران را افزایش دهد و نیز جایگزینی برای خروج نسبی ایران از محدودیت‌های تنگه‌ی هرمز نیز تلقی شود. علاوه بر این، انسجام و قدرت بازیگری این ائتلاف، می‌تواند قدرت بازیگری ایران را در حوزه خلیج فارس تقویت کند.

منابع

- پور پویان، رضا، مجتهدزاده، پیروز و زهرا احمدی‌پور (۱۳۸۹)، «بنیان‌های جغرافیایی و ژئوپلیتیک روابط در شبه‌قاره‌ی هند»، فصلنامه مطالعات شبه‌قاره، سال ۲، شماره‌ی ۵، صص ۷۸-۵۵.
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۹۰)، «اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک»، چاپ سوم، مشهد: انتشارات پاپلی
- حافظ‌نیا، محمدرضا و ابراهیم رومینا (۱۳۸۴)، «تحلیل ظرفیت‌های ژئوپلیتیک سواحل جنوب شرق ایران در راستای منافع ملی (فضای مورد غفلت)»، فصلنامه‌ی جغرافیا و توسعه، دوره‌ی ۳، شماره‌ی ۶، صص ۲۰-۵.
- خلیلی، محسن، حیدری، جهانگیر و هادی صیادی (۱۳۹۲)، «پیوند ژنگان ژئوپلیتیک و سیاست خارجی نمونه‌پژوهی: پاکستان و ایران»، فصلنامه‌ی مطالعات شبه‌قاره، سال پنجم، شماره‌ی ۱۷، صص ۱۲۶-۹۵.
- دوئرتی، جیمز (۱۳۹۳)، «نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل»، ترجمه وحید بزرگی، تهران: قومس

- راشی، علی (۱۳۹۴)، تحلیل ژئوپلیتیکی روابط ایران و عمان بر مبنای تئوری اندرسون، قابل دسترسی در: <http://iranbazgoo.persianblog.ir/post/709>
- سلیمی، حسین (۱۳۸۸)، «آسیای جنوب غربی به عنوان یک منطقه؟ تحلیل اطلاق منطقه آسیای جنوب غربی آسیا»، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال پنجم، شماره ۲، صص ۱۱۵-۱۱۸.
- شفیعی، میرعلی (۱۳۸۸)، «تحلیل ژئوپلیتیک و ژئوآکونومیک خط لوله گاز ایران- هند»، فصلنامه‌ی فضای جغرافیایی دانشگاه آزاد اهر، سال نهم، شماره ۲۶، صص ۴۸-۵۲.
- عزتی، عزت الله و هادی ویسی (۱۳۸۵)، «تحلیل ژئوپلیتیک و ژئوآکونومیک خطه لوله‌ی گاز ایران و هند»، فصلنامه‌ی ژئوپلیتیک، سال دوم، شماره ۲، صص ۴۵-۲۷.
- فرزین‌نیا، زیبا (۱۳۸۳)، «سیاست خارجی پاکستان: تغییر و تحول»، تهران: انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- محرابی، علیرضا و محمد اقتدارنژاد (۱۳۹۳)، «مدل تبیینی ژئوپلیتیک پاکستان در حوزه رقابت و همکاری با جمهوری اسلامی ایران (با تاکید بر موقعیت و نقش آفرینی منطقه‌ای)»، فصلنامه مطالعات شبه قاره، دوره ۶، شماره ۲۰، صص ۱۹۹-۲۲۳.
- محمدی، حمیدرضا و ابراهیم احمدی (۱۳۹۴)، «ژئوپلیتیک ایران و پاکستان؛ زمینه‌های همگرایی و واگرایی منطقه‌ای»، تهران: انتشارات انتخاب.
- مورگنتا، هانس جی. (۱۳۹۴). «سیاست میان ملت‌ها»، ترجمه حمیرا مشیرزاده، چاپ سوم، تهران: مرکز انتشارات وزارت امور خارجه.
- Baru, S. (2012). Understanding Geo-economics and Strategy, Survival, 13:3, PP. 13-21.
- Gartzke, E. and Skrede Gleditsch, K. (2013). Identity and Conflict: Ties that Bind and Differences that Divide, European Journal of International Relations, Vol.12, No.1, PP. 53-87.
- Landler, M. (2010). Clinton Raises U.S. Concerns of Military Power in Iran," The New York Times, February 15, PP. 50-61.
- Lobell, S. (2015). War is politics: Offensive realism, domestic politics, and security strategies, Security Studies, 12:2, PP. 165-195.
- Merriam-Webster (2014). Goeconomics. Retrieved 01 02, 2014, from Merriam-Webster: available at:<http://www.merriam-webster.com>
- Solberg, K. S. (2012). Goeconomics, London: Bookboon.
- Zarate, J. (2012). Playing a New Goeconomic Game, Washington D.C.: Center for Strategic and International Studies.